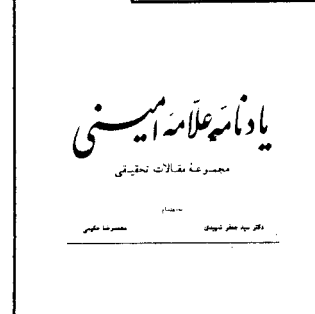
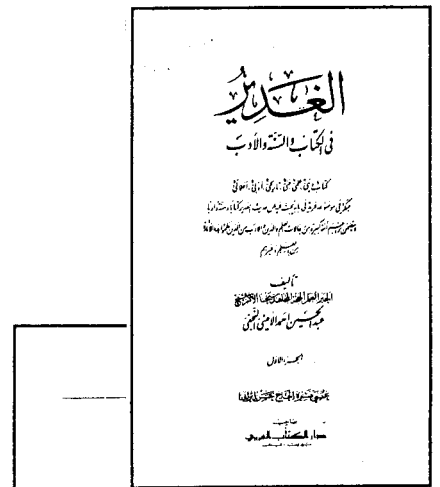


الغدیر و وحدت اسلامی



دین اسلام یکی از دو دین بزرگ موجود در جهان است: مسیحیت و اسلام. از آغاز ظهور اسلام - با کمال تأسف - با این دین الهی مبارزه‌های بسیاری شد و می‌شود. و این دین مورد نه‌اجمهای فرهنگی بسیاری قرار گرفت و می‌گیرد. این مبارزه‌ها بطور عمده به این دلیل است که دینها و مسلکهای دیگر، بعنوان دین و مسلک، از محتوایی غنی و کامل برخوردار نیستند. از اینرو حس می‌کنند که در برابر درخشش انوار قرآن و تجلی حقایق اسلام تاب پایداری ندارند، و در مقابل تعالیم بلند و مایه‌ور اسلامی، در مسائل گوناگون حقوق و فقه و اخلاق و اقتصاد و عدالت معاشی، و مبانی اعتقادی سازنده درباره حقایق معادی، چیزی چندانی قابل درخور نمی‌توانند عرضه کنند، و در شناساندن وجوه معارف عالییه توانمند نیستند. از اینرو از استعداد جهانگیر شدن اسلام در هراسند، و همواره در برابر اسلام و مسلمانان موضعی خصمانه دارند.

یک نمونه از آنچه یاد شد، جنگهای صلیبی اول است. مسیحیان در جنگهای یاد شده به قتل عام مسلمانان پرداختند، و برای نابودی اسلام و خاموش کردن صدای قرآن و بانگ اذان محمدی کوشش بسیار کردند، لیکن موفق نگشتند. این مبارزه ضد ارزشی و ضد الهی و ضد انسانی (که نه تنها شایسته یک دین و پیروان آن نیست، بلکه از مردمانی بیابانی و نیمه وحشی نیز قبیح می‌نماید)، هم اکنون نیز ادامه یافته است، و در جنگهای صلیبی دوم (جنگهای فعلی با مسلمانان)، می‌نگریم که در نقاط مختلف به کشتن مسلمانان و مبارزه با اسلام مشغولند، از بوسنی و هرزگوین بگیرند تا چین و قره‌باغ و کشمیر و فلسطین و لبنان و الجزایر... و اینها بجز برادرکشیهایی است که در میان خود مسلمانان براف می‌اندازند، و آتش آن را شعله‌ور می‌سازند مانند افغانستان. جریان استکبار جهانی (که ملت ما آن را خوب می‌شناسد، و با ترورها و خونریزیها و جنایتها و خیانتهای آن کاملاً آشناست) بطور عمده همین پیروان مسیحیتند، یعنی دین مدعی محبت؟! یهودیت و صهیونیسم نیز گاه عامل پنهانی این سیاست ضد انسانی و ضد الهی است، و گاه خود مهاجمی است درنده خوتر و خونریزتر...

آنچه برای همه آگاهان جهان، مایه تأسف بسیار و تعجب و درد و دریغ - و حتی جای سؤال - است این است که چرا روحانیت مسیحی به پیروان خود اعتراض نمی‌کند، و آنان را از اینهمه کشتار و خیانت و خونریزی و نسل‌کشی و جنایت باز نمی‌دارد؟ و باز هم مدعی است که مسیحیت دین محبت است. هنگامی که آقای پاپ با نوشتن کتاب «در آستانه امید»، به شناختن و شناساندن جنبه‌هایی از اسلام و ارزشهای اسلامی و اهمیت مسلمانان می‌پردازد، و اسلام را «یکی از ادیان توحیدی بزرگ جهان» می‌خواند، و می‌گوید:

«کلیسای کاتولیک برای مسلمانان به عنوان مؤمنان به خداوند یگانه، حق قیوم، رحمان قدیر، و آفریننده زمین و آسمانها احترام زیادی قائل است»، جا دارد که جهان مسیحیت در همه جا، نسبت به اسلام و مسلمانان ادای احترام کند، و از نسل‌کشی ملتهای اسلامی دست بردارد، و از آواره کنندگان مسلمانان از سرزمینهای خود طرفداری نکند. جهان مسیحیت، علم و دانش و طب و فلسفه و حقوق و صنعت خود، و حتی طبقه‌بندی علوم و روشهای تعلیمی خویش را نخست از اسلام و کتابها و نسخه‌های خطی عالمان مسلمان گرفته است، و از این جهت همواره مدیون اسلام و مسلمانان و مسجدها و مدرسه‌های شهرهای اسلامی است. پس باید قدرت جهانی خود را برای محو اسلام و قتل عام مسلمانان بکار نبرد، و نمک شناس باشد، و در مجمعهایی بین‌المللی و پیشامدهای

جهانی، ضد اسلام و مسلمانان و مصالح آنان رأی ندهد، و به زبان مسلمین زمینه‌سازی نکند. با وضع موجود به آنچه هم که به نام سمینارهای تفاهم میان مسیحیت و اسلام برگزار می‌گردد، نمی‌توان اعتماد کرد و اطمینان داشت. دانشمندان و صاحب‌نظران مسلمان که در اینگونه مراسم شرکت می‌کنند باید بیدار باشند، و در مجالس عمومی و برخوردهای خصوصی زیرکی را - در اظهارها و گفتارها - از دست نهند. چه بسا برخی بخواهند، افکار ما را بسنجند، و معارف ما را ارزیابی کنند، و نقاط قوت ما را بشناسند، و طرز فکر ما را بدست آورند، و در مبارزه‌های گوناگون با مسلمانان مجهزتر گردند. آنچه با نیت بزرگان این قوم (که جنگهای صلیبی و قتل عامهای گذشته و حال را پدید آورده‌اند، و از نسل‌کشی مسلمانان - عملاً - اظهار رضایت می‌کنند) مناسب می‌نماید این است. و اگر چیزی جز این باشد جای خوشوقتی است. و در این صورت باید با جلوگیری از ستم و تجاوز همکیشان خویش نسبت به مسلمانان حسن نیت خود را به ثبوت برسانند.

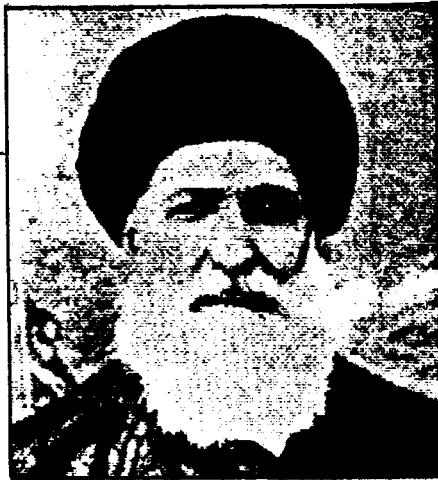
بهرحال، در مسیحیت و اسلام، از روزگاران قدیم، فرقه‌ها و شعبه‌هایی پدید آمد، و هر کدام در درون خود نیز به مبارزه و درگیری و کشتار پرداختند. منتهی اختلاف در اسلام - تاکنون - به اندازه مسیحیت و فرقه‌ها و تعارضهای آنان نیست. اسلام دو فرقه بزرگ دارد و بس: اهل سنت و شیعه. و میان این دو فرقه مشترکات اساسی وجود دارد که می‌تواند مایه وحدتی بزرگ باشد. و هرگاه مسلمانان با عبرت و دقت در احوال خود و کشورها و حکومتهای خود نظر کنند، و عقب ماندگیهای خویش را بنگرند، خواهند دید که وظیفه حتمی آنان این است که به این مشترکات توجه کنند، و در راه ایجاد وحدت و تفاهم از هیچ کوشش و تلاشی باز نایستند. البته این وحدت که می‌گوییم، صورت عملی آن منظور است، یعنی وحدت سیاسی و جهانی و دفاعی، که در مقاله استاد شهید مطهری - که نقل خواهد شد - تشریح گشته است.

به دلیل دشمنیهای سهمگینی که از نخستین روزگاران ظهور اسلام با این دین جاودان الهی شده است، مسلمانان آگاه همواره درصدد بوده‌اند که وحدت خویش را پاس دارند و عمق بخشنند، و با تفرقه و پراکندگی خود، دشمن خونخوار را بر خویشتن چیره نسازند. از اینرو ایجاد اتحاد در میان امت اسلامی و حفظ آن، همواره مورد نظر مسلمانان آگاه و متعهد بوده است، بلکه می‌توان گفت، از نخستین روزهای بروز اختلاف و پیدایش جریان «خلافت سقیفه» (در برابر جریان «امامت غدیره»)، میدان ندادن به اختلاف و فعال نساختن آن، و حتی بی‌اثر ساختن آن در میان برادران اهل قبله، هدف متعهدان قرار گرفت، تا جایی که باید پذیرفت که مظهر کامل این تعهد الهی، خود امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب «ع» بود. زیرا آن امام بزرگ انسان، و ارزشیان سترگ اسلام (با وجود اظهار حقایق و ارشاد افکار و نشر آگاهیهای لازم درباره جریان الهی و قرآنی «وصایت» و احتجاج و استدلال به احادیث «واقعۀ غدیره» و نشر مبانی عدالت حقوقی و اقتصادی بوسیله کسانی مانند «ابوذر غفاری»)، خود صبر پیشه کرد، و از فعال ساختن اختلاف بسختی دوری گردید، و در مواردی با نظام خلافت همکاری کرد. و اینهمه برای رضای خدا بود و حفظ موجودیت عام دین خدا.

در دوران ائمه طاهرين «ع» نیز فکر اتحاد تعقیب می‌شد، و از سخنی که موجب اختلاف و پراکندگی شود منع می‌گشت. در عصرهای بعد نیز عالمان آگاه و رجال خردمند اسلام همواره از فکر «اتحاد اسلامی» جانبداری می‌کردند و در راه تحقق آن می‌کوشیدند. این چگونگی همیسان ادامه داشت تا در این ۱۵۰



آیت‌الله العظمی بروجردی



سید محسن امین

اتحاد کمک می‌کنند. اما آگاهان بزرگ و متعهد شیعه هیچگاه از حرکت در این جهت (ایجاد تفاهم و اتحاد در میان امت اسلامی) غفلت نکرده‌اند، و در تألیفات پر ارج خود، هدف اتحاد را نادیده نگرفته‌اند، بلکه در جهت آن کوشش بسیار میدول داشته‌اند.

هنگامی که مولوی عبدالعزیز دهلوی، کتاب «تحفه اثنا عشریه» را نوشت، و آن را در هند منتشر کرد، و بدون رعایت مقتضیات زمانی و شرایط مکانی، به آتش اختلاف‌های مسلمین دامن زد، علامه مجاهد بزرگ، و پژوهشگر متعهد سترگ، حضرت میر حامد حسین هندی، بر اساس تکلیف الهی، به نوشتن کتاب عظیم «عقبات الانوار» دست یازید، و در ضمن به ثمر رساندن کوشش علمی بی‌نظیر - تا روزگار خویش - آثار بد کتاب مولوی عبدالعزیز دهلوی را زدود، و در جهت آگاهی دادن به جامعه اسلامی (بویژه جامعه اسلامی هند) موجی بی‌نظیر ایجاد کرد. و این شیوه پسندیده و تکلیف اسلامی را سپس چند تن دیگر از دانشمندان بزرگ اهل قبله، از میان شیعه و همچنین اهل سنت تعقیب کردند، که در اینجا به چند تن از عالمان بزرگ شیعی که کوششهایی گران کردند و کتابهایی ارجمند به منظور ایجاد تفاهم و اتحاد میان مسلمانان نوشتند اشاره می‌کنیم و کتابهای یاد شده را نام می‌بریم:

- ۱- سید محسن امین عاملی (مؤلف «اعیان الشیعه» در ۵۶ جلد)، کتاب «الحق الیقین فی لزوم التالیف بین المسلمین» را نوشت.
 - ۲- سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، کتاب «الفصول المهمة فی تالیف الائمة» را تألیف کرد.
 - ۳- شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نجفی، کتاب «اصل الشیعه و اصولها» را نگاشت.
 - ۴- شیخ عبدالله سبیتی عاملی، کتاب «الی مشیخة الازهر» را تقدیم جامع الازهر و عالمان آن دیار کرد.
 - ۵- شیخ حبیب ال مهاجر عاملی، کتاب «الحقائق فی الجوامع و الفوارق» را به قلم آورد.
 - ۶- شیخ ابوالحسن خیزی، کتاب «الدعوة الاسلامیه الی وحدت اهل السنة و الامامیه» را نشر داد. و سرانجام می‌رسیم به کتاب عظیم «الغدیر»، و نقش ژرف و گسترده آن درباره ایجاد تفاهم میان مسلمین و تحقق بخشی به هدف بزرگ «اتحاد جهانی اسلامی».
- الغدیر، کتابی بی‌نظیر، که دهها دانشمند بزرگ از شیعه و اهل سنت آن را ستودند، و بویژه به نقش شگرف آن در راه ایجاد اتحاد میان مسلمانان و رفع سوء تفاهمها اشاره کردند. چه بسیار کتابهایی که در این ۷۰ سال اخیر برای تفرقه افکنی میان مسلمانان نوشته شد (یا این نتیجه از آنها به دست می‌آید) و الغدیر همه را مورد نقد علمی قرار داد، و راه نفوذ سوء و تأثیر



سید جمال‌الدین اسدآبادی

ویرانگر آنها را مسدود ساخت.

الغدیر، چنانکه مؤلف علامه و مجاهد آن، حضرت شیخ عبدالحسین امینی تبریزی نجفی خود گفته است، پرچم اتحاد میان مسلمانان را برافراشته است (الغدیر یوحّد الصوف فی الملام الاسلامی). یکی از دانشمندان آگاه و دلسوز، یعنی متفکر اسلامی، آیه‌الله شهید، شیخ مرتضی مطهری خراسانی، نقش کتاب عظیم «الغدیر» را در جهت ایجاد وحدت اسلامی بخوبی تشریح کرده است، و شکل عملی این وحدت را بروشنی و با دقت ترسیم نموده است. اکنون که نام این کتاب مقدس و صاحب رسالت، بیشتر مطرح شده است، و بجز ساختن بنای ماندگار و با عظمت «یادبود علامه امینی»، در واحد بزرگ فرهنگی - مردمی «باغ غدیر»، در اصفهان، جاهای بسیاری به نام این کتاب مقدس نامگذاری می‌شود، بسیار بمورد است که مقاله استاد شهید مطهری، از نو در معرض مطالعه همگان قرار گیرد، تا دانسته باشد که «الغدیر»، همانگونه که رمز جاودان «حق» و «عدل» است، پرچم افراشته وحدت اسلامی نیز هست. و به گفته استاد محمد عبدالغنی حسن مصری، ناقد معروف، «کتاب الغدیر سبب صلح و صفا میان برادران شیعه و سنی خواهد بود تا دست به دست هم داده، واحد قدرتمند جهانی اسلام را بسازند».

در مقاله استاد شهید مطهری، یاد شده است که وحدتی که مورد نظر است «وحدت سیاسی» است. و همین وحدت است که عملی است و آگاهان و انقلابیون و مجاهدان و مصلحان و نویسندگان و صاحب نظران و محققان و مبلغان اسلامی - در سراسر جهان - باید به این نکته بصورتی جدی و عمیق توجه داشته باشند، تا همه مسلمانان را - از عالم و غیر عالم - به صورت عملی و قابل تحقق وحدت فرا خوانند و سوق دهند. و این ذهنیت ضروری و امکان‌پذیر را که متفکران گرانقدر بدان توجه یافته و توجه داده‌اند، در میان مسلمانان همه جاها پدید بیاورند. تا با خواست خداوند و تأیید ولی بزرگ خدا، همه به سوی این هدف مقدس بسیج گردند.

اینک بمناسبت اوضاع روز مسلمانان و نیاز فوق‌العاده ضروری آنان به اتحاد و وحدت، و همچنین بمناسبت پنجاهمین سال چاپ نخستین جلد «الغدیر» و بیست و پنجمین سال درگذشت، مرزبان بزرگ تشیع، علامه سترگ امینی - رضوان الله علیه - مقاله بیدارگر و آگاهی‌بخش استاد شهید مطهری را (که به زبان عربی

سال اخیر، که دعوتگر بزرگ اتحاد اسلامی، سید جمال‌الدین اسدآبادی ظهور کرد. این متفکر بزرگ، و مصلح آگاه، و متعهد درگیر، و مجاهد کم نظیر، پس از سیر و سفر در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و دیدن اوضاع اسفبار مسلمین و تسلط عوامل استعمار مسیحی بر مقدرات آنان، تعقیب دو هدف را وظیفه دانست و بدان پرداخت:

۱- اتحاد

۲- عدالت.

کوشید تا مسلمانان را به راه اتحاد اندازد، و ظلم را - که تهدید کننده موجودیت هر جامعه و ملتی است - از میان آنان برطرف سازد. از اینرو با حکومت‌های منط و ستمگر درافتاد، و در پیشبرد هدف اتحاد اسلامی تا آنجا پیشرفت که برای نفوذ بیشتر کلام خود در مجامع اسلامی، و در کشورهای اسلامی مختلف، مذهب و وطن خویش را آشکار نمی‌کرد، و نام خود را چند گونه می‌نوشت، و دستار خویش را گاه سیاه و گاه سفید می‌بست.

پس از سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز این فکر پیگیری شد. در نیم سده اخیر دانشمندی از اهل سنت و شیعه «دارالتقرب» را در مصر تشکیل دادند، و مجله تفاهم‌آمیز خود، «رساله الاسلام» را منتشر کردند. و حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی نیز این حرکت را همواره مورد تأیید قرار دادند. در جریان انقلاب نیز موضوع «اتحاد اسلامی» بخوبی تعقیب شد، که بر همگان روشن است و در بیانات امام خمینی -رحمة الله الیه- بر آن تأکید بسیار شده است. و در این دوره نیز «مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه»، به اشاره مقام معظم رهبری تشکیل یافته، و با کوشش اعضای آن، بویژه حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی، هدف اتحاد اسلامی و ایجاد تفاهم میان امت را پیگیری می‌کند. دانشمندان و متفکران و مؤلفان و محققان شیعی نیز همواره در صف مقدم این جهاد مقدس حضور داشته‌اند. در میان دانشمندان و صاحب نظران اهل سنت نیز کسانی در این باره دست به اقدام‌هایی مهم زده‌اند، که باید از دو رئیس مشهور «جامع الازهر» مصر، شیخ سلیم بشری و شیخ محمود شلتوت، در این مقام با تقدیر و تجلیل یاد کرد. در کنار برخی آخوندهای درباری و مزدور، یا جاهل و عنود اهل سنت، که به اختلافها دامن می‌زنند، نیز جای خوشوقتی است که آگاهی‌بخش بهم می‌رسند که به هدف



شیخ محمد حسین کاشف الغطا

نیز ترجمه و نشر شده است)، از کتاب «یادنامه علامه امینی» می‌آوریم:

الغدیر و وحدت اسلامی

کتاب شریف «الغدیر»، موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورده است، اندیشمندان اسلامی، از زوایا و جوانب مختلف: ادبی، تاریخی، کلامی، حدیثی، تفسیری، اجتماعی بدان نظر افکنده‌اند. آنچه از زاویه اجتماعی می‌توان بدان نظر افکند، «وحدت اسلامی» است.

مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را، خصوصاً در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدانها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه خلافات کهن و اختراع خلافات نوین است، از ضروریترین نیازهای اسلامی می‌دانند. اساساً چنانکه می‌دانیم وحدت اسلامی و اخوت اسلامی، سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد اسلام است. قرآن و سنت و تاریخ اسلام گواه آن می‌باشد.

از این رو، برای برخی این پرسش پیش آمده که آیا تألیف و نشر کتابی مانند «الغدیر» - که به هر حال موضوع بحث آن، کهنترین مسأله خلافی مسلمین است - مانعی در راه هدف مقدس و ایده‌آل عالی «وحدت اسلامی» ایجاد نمی‌کند؟

ما لازم می‌دانیم مقدمتاً اصل مطلب را - یعنی مفهوم و حدود وحدت اسلامی - را روشن کنیم، سپس نقش کتاب شریف «الغدیر» و مؤلف جلیل‌القدرش، «علامه امینی» رضوان الله علیه، را توضیح دهیم.

وحدت اسلامی

مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود، و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود، و مقترقات همه آنها کنار گذاشته شود، و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟

مخالفین اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول، با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مقترقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

این دانشمندان می‌گویند مسلمین مایه وفایهای بسیاری دارند که می‌تواند مینای یک اتحاد محکم گردد، مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند. و جز در اموری جزئی،

در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهانی‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهانی‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بنیاد و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستشها و نیایشها، در آداب و سنن اجتماعی خوب می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاد نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. همچنانکه ایجاد نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فیما بین، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت



استاد مرتضی مطهری

اسلامی، از این نظر، ایجاد می‌کند، این است که مسلمین - برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود، یا شعله‌ور نگردد - متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبینند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند، و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح سازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. و در حقیقت - لااقل - حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمانان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جاد لهم بالتي هی احسن».

برای برخی این تصور پیش آمده که مذهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌تواند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند، اما مذهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است.



علامه امینی

در شورای شش نفری پس از تعیین و انتخاب عثمان به وسیله عبدالرحمان بن عوف، علی علیه السلام، شکایت و هم آمادگی خود را برای همکاری اینچنین بیان کرد: «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیري، و والله لاسلمن ماسلمت امور المسلمین، ولم یکن فیها جور الاعلیٰ خاصة» (نهج البلاغه، خطبة ۷۲) یعنی: شما خود می دانید من از همه برای خلافت شایسته ترم، و حال به خدا قسم مادامی که کار مسلمین رو برآه باشد، و رفیقان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود.

اینجا می رساند که علی، اصل «یا همه یا هیچ» را در این مورد محکوم می دانسته است. نیازی نیست درباره روش و سیره علی علیه السلام در این موضوع بیشتر بحث شود، شواهد و دلایل تاریخی در این زمینه فراوان است.

علامه امینی

اکنون نوبت آن است که ببینیم علامه بزرگوار، آیت الله امینی، مؤلف جلیل القدر «الغدیر» از کدام دسته است و چگونه می اندیشیده است؟ آیا ایشان وحدت و اتحاد مسلمین را تنها در دایره تشیع قابل قبول می دانسته اند، یا دایره اخوت اسلامی را وسیعتر می دانسته و معتقد بوده اند اسلام که با اقرار و اذعان به شهادتین محقق می شود، خواه ناخواه حقوقی را به عنوان حق مسلمان بر مسلمان ایجاد می کند و صله اخوت و برادری که در قرآن به آن تصریح شده میان همه مسلمین محفوظ است.

علامه امینی به این نکته - که لازم است نظر خود را در این موضوع روشن کنند و اینکه نقش الغدیر در وحدت اسلامی چیست، آیا مثبت است یا منفی؟ - خود کاملاً توجه داشته اند و برای اینکه از طرف معترضان - اعم از آنان که در جبهه مخالف خودنمایی می کنند و آنهایی که در جبهه موافق خود را جا زده اند - مورد سوء استفاده واقع نشود، نظر خود را مکرر توضیح داده و روشن کرده اند.

علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن بینانه بدان می نگرند. معظم له در فرصتهای مختلف در مجلدات الغدیر این مسأله را طرح کرده اند و ما قسمتی از آنها را در اینجا نقل می کنیم:

در مقدمه جلد اول، اشاره کوتاهی می کنند به اینکه الغدیر، چه نقشی در جهان اسلام خواهد داشت. می گویند: «و ما اینهمه را خدمت به دین، و اعلاء کلمه حق، و احیاء امت اسلامی می شماریم».

در جلد سوم، صفحه ۷۷، پس از نقل اکاذیب ابن تیمیه و آلوسی و قسیمی، مبنی بر اینکه شیعه برخی از اهل بیت را، از قبیل زید بن علی بن الحسین دشمن می دارد، تحت عنوان «نقد و اصلاح» می گویند:

«... این دروغها و تهمتها تخم فساد را می کارد و دشمنیها را میان امت اسلام برمی انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می نماید و جمع امت را مشتت می سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد».

نیز در جلد سوم، صفحه ۲۶۸، تهمت سید رشید رضا را به شیعه، مبنی بر اینکه «شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می شود تا آنجا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند» نقل می کنند، و می گویند: «این دروغها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضاست. شیعیان ایران و عراق که قاعدتاً مورد این تهمت هستند، و

علیهذا آنجا که مثلاً اصل «امامت» آسیب می پذیرد و قربانی می شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است. و به همین دلیل شیعه و سنی به هیچ وجه نمی توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند. دشمن هر که باشد.

گروه اول به این گروه پاسخ می دهند، می گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته بشماریم، و از اصل «یا همه یا هیچ» در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور» و «مایدرك كله لا یترك كله» است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی، علیه السلام، برای ما بهترین و آموزنده ترین درسهاست. علی، علیه السلام، راه و روشی بسیار منطقی و معقول که شایسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد.

او برای احقاق حق خود، از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند، اما هرگز از شعار «یا همه یا هیچ» پیروی نکرد. برعکس، اصل «مالایدرك كله لا یترك كله» را مبنای کار خویش قرار داد.



سید عبدالحسن شرف الدین عاملی

علی در برابر رباپندگان حشش قیام نکرد و قیام نکردنش اضطراری نبود، بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود. او از مرگ بیم نداشت، چرا قیام نکرد، حداکثر این بود که کشته شود، کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود، او همواره در آرزوی شهادت بود و با آن، از کودک به پستان مادر مآنوستر بود. علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام، در آن شرایط، ترک قیام و بلکه همگامی و همکاری است. خود کراراً به این مطلب تصریح می کند.

در یکی از نامه های خود به مالک اشتر (نامه ۶۲ از نامه های «نهج البلاغه») می نویسد: «فأمسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام، یدعون الی محق دین محمد صلی الله علیه و آله، فخشیت ان لم أنصر الاسلام و أهله، اری فیہ ثلماً اوهد ماتکون المصیبة به علی اعظم من فوت ولا یتکم التی انما هی متاع ایام قلائل». - من اول دست خود را پس کشیدم، تا دیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دین محمد (ص) دعوت می کنند. پس ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمین برنخیزم شکاف یا انهدامی در اسلام خواهم دید که مصیبت آن از فوت خلافت چند روزه بسی بیشتر است.

همچنین مستشرقان و سیاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیرهم، که در ایران و عراق رفت و آمد داشته و دارند خبری از این جریان ندارند. شیعه بلا استثناء، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است. هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، در غم آنها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را که در قرآن و سنت بدان تصریح شده محدود به جهات تشیع نکرده است. و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است.

نیز در پایان جلد سوم، پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما، از قبیل عقد الفرید ابن عبدربه، الانتصار ابوالحسین خیاط معتزلی، الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی، الفصل ابن حزم اندلسی، الملل و النحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی، منهاج السنه ابن تیمیه، و البدایة و النهایة ابن کثیر و چند کتاب از کتب متأخرین، از قبیل تاریخ الامم الاسلامیه شیخ محمد خضری، فجر الاسلام احمد امین، الجوله فی ربوع

الشرق الادنی محمد ثابت مصری، الصراع بین الاسلام و الوثنیه قسیمی، و الوشیعة موسی جارالله می گویند: «هدف ما از نقل و انتقاد این کتب، این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این کتابها بزرگترین خطر را برای جامعه اسلامی به وجود می آورد، زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می کند، صفوف مسلمین را می پراکند، هیچ عاملی بیش از این کتب صفوف مسلمین را از هم نمی باشد و وحدتشان را از بین نمی برد و رشتة اخوت اسلامی را پاره نمی کند.»

علامه امینی در مقدمه جلد پنجم، تحت عنوان «نظریه کریمه» به مناسبت یکی از تقدیر نامه های که از مصر، درباره «الغدیر» رسیده است، نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می کند و جای هیچ تردیدی باقی نمی گذارند، می گویند: «عقاید و آراء درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشتة اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «انما المؤمنون اخوة» بدان تصریح کرده پاره نمی کند، هر چند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد، سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است.»

«ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است.»

«ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می کنیم و در تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می نماییم. پیام همه ما این است که: «ان الدین عندالله الاسلام» و شعار همه ما «لا اله الا الله و محمد رسول الله» است. آری ما حزب خدا و حامیان دین او هستیم.»

علامه امینی در مقدمه جلد هشتم تحت عنوان «الغدیر یوحد الصفوف فی المملأ الاسلامی» مستقیماً وارد بحث نقش «الغدیر» در وحدت اسلامی می شوند. معظم له، در این بحث، اتهامات کسانی را که می گویند الغدیر موجب تفرقه بیشتر مسلمین می شود، سخت رد می کنند، و ثابت می کنند که برعکس، «الغدیر» بسیاری از سوء تفاهات را از بین می برد و موجب نزدیکتر شدن مسلمین به یکدیگر می گردد. نگاه اعتراضات دانشمندان اسلامی غیر شیعه را در این باره شاهد می آورند و در پایان، نامه شیخ محمد سعید دحدوح را به همین مناسبت نقل می کنند.

ما برای پرهیز از اطالة بیشتر، از نقل و ترجمه تمام گفتار علامه امینی تحت عنوان بالا که همه در توضیح نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی است صرف نظر

می کنیم، زیرا آنچه نقل کردیم برای اثبات مقصود کافی است.

نقش مثبت الغدیر، در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می کند و ثابت می کند که گرایش «میلیونها» مسلمان به تشیع - بر خلاف تبلیغات زهراگین عده ای - مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی منطقی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است، ثانیاً ثابت می کند که پاره ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل اینکه شیعه غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمان شادمان می گردد، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت

اتمه می رود، یا در نماز چنین می کند و در ازدواج موقت چنان، به کلی بی اساس و دروغ است، ثالثاً شخص شخص امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، را که مظلومترین و مجهول القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود، و همچنین دریه اظهارش را به جهان اسلام معرفی می کند.

برداشت دیگران از الغدیر

برداشت بسیاری از دانشمندان بیغرض مسلمان غیر شیعه از «الغدیر» همین است که ما گفتیم.

محمد عبدالغنی حسن مصری، در تقریظ خود بر «الغدیر» که در مقدمه جلد اول، چاپ دوم، چاپ شده است می گوید:

«از خداوند مسئلت می کنم که برکه آب زلال شما را (غدیر در عربی به معنای گودال آب است) سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده، بناء امت اسلامی را بسازند.»

عادل غضبان مدیر مجله مصری «الکتاب» - در مقدمه جلد سوم - می گوید: «این کتاب، منطق شیعه را روشن می کند و اهل سنت می توانند به وسیله این کتاب شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود، و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند.»

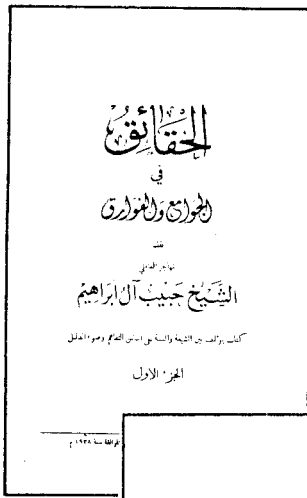
دکتر محمد غلاب، استاد فلسفه در دانشکده اصول دین جامع اهزر، در تقریظی که بر «الغدیر» نوشته و در مقدمه جلد چهارم چاپ شده می گوید:

«کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به دستم رسید، زیرا اکنون مشغول جمع آوری و تألیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستم، لهذا خیلی مایلیم که اطلاعات صحیحی درباره امامیه داشته باشیم. کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد.»

دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی، در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدیر چاپ شده، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر، و اینکه چه عواملی می تواند مسلمین را نجات دهد، و پس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است، می گوید:

«کتاب الغدیر و محتویات غنی آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهسی کرده اند، و حیثیت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در باره اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم.»

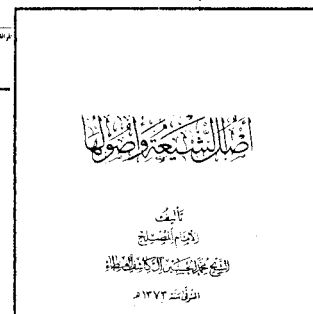
آری آن بود وجهه نظر علامه امینی درباره مسأله مهم اجتماعی عصر ما، و این است عکس العمل نیکوی آن در جهان اسلام. - رضوان الله علیه.



التخالف
فی
الطریق والاصول

الشیخ جیب آل ابراهیم

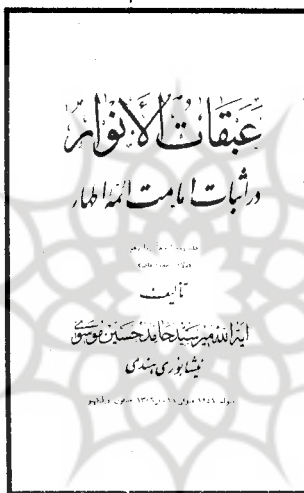
الجزء الاول



التخالف فی الطریق والاصول

الشیخ جیب آل ابراهیم

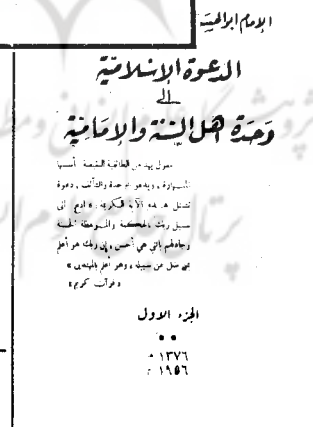
الجزء الاول



عقبات الاقلام
وراثات امامت الزمان

الشیخ جیب آل ابراهیم

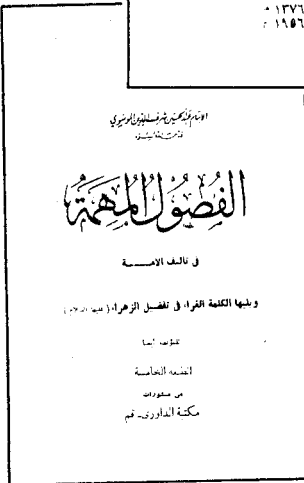
الجزء الاول



الدعوة الاسلامية
وصحة هل السنة والاسنة

الشیخ جیب آل ابراهیم

الجزء الاول



الفتاوى المهمة

الشیخ جیب آل ابراهیم

الجزء الاول

الشیخ جیب آل ابراهیم

الشیخ جیب آل ابراهیم

الشیخ جیب آل ابراهیم

الشیخ جیب آل ابراهیم